



نقد نگارشی یک رای

سطرهای مغشوش عبارت‌های مشوش

محمد رضا خسروی

رای دادگاه را می‌توان از دو زاویه کاملاً جداگانه نگریست و آن می‌تواند نکاهی به اصطلاح شکلی باشد یا ماهوی و می‌تواند ادبی باشد یا حقوقی. همچنان که می‌تواند از دیدگاه فرم باشد یا محتوا اما در این نوشته به که کم‌کم دارد به گونه مقاله‌های مسئولیتی درمی‌آید ما به آراء دادگاهها نکاهی صرفاً نگارشی داشته‌ایم ولی به احکام دادگاهها می‌توان نکاهی تلفیقی نیز داشت. یعنی همان امیزه‌ای از نقد فنی، حقوقی، پس نخست راین را نقل خواهیم کرد که در میزماه ۸۴ از دادگاه عمده می‌رود در مسأله شاید است:

رای دادگاه:

در خصوص اتهام میسران ۱ (ط) ۲ (ب) به نزدیک اوئی دانه بر معاونت در قتل حسین اقبان که ن غ و غ از طریق تشویب و ترغیب اقای (ق) به ایجاد درگیری مسلحانه با مأمورین فرقه‌الدخ و ایجاد پیشه‌د رشوه به احدی از مأمورین انتظامی کلانگه و ایستاد بازرسی چابکسر و دومی دائر بر تهیه و سیاه قرار متهم منواری به نام (ط) و محکمی نمودن مشارالیه به شرح مندرج در پرونده با توجه به محتویات پرونده اعم از شکایت اولیادوم و مرجعین فوق‌الذکر، گزارش مرجع انتظامی کداهی پزشکی قانونی که نامبرانکر صورت مضمومین مذکور در اثر اثبات نتوانه می‌باشند اقرار و اعترافات صریح متهم ردیف اول در مرحله تحقیقات مقدماتی نزد قاضی محترم دادسرا مبنی بر تهیه نشانه قبلی یا اقای (ق) (فیل) به منظور رهایی شهزاد و شهروز که از زندان اوین به دادگاه رودسر اعزام شده‌اند از طریق پیشهاد رشوه به مأمورین همراه زندانبان مذکور با بیوش کردن مأمورین در بین راه از طریق کمیوت مسوموم و با درگیری مسلحانه با مأمورین و در اختتام داشتن اسلحه کلت کسری بدین منظور، کثیر خرامست شماره‌های ۵۵۲، ۵۵۳، ۲۸/۱۳۱۴/۱ صادره از دادسرای عمومی و انقلاب

شهرستان رودسر اظهارات نماینده دادسرا الکار و دفاعیات بلاوجه متهم ردیف اول و دلیل مشارالیه در رابطه با اتهام معاونت در قتل عمدی متهم ردیف اول و اقرار صریح آنها در رابطه با اتهام پیشهاد رشوه و اقرار صریح متهم ردیف دوم مبنی بر محکمی نمودن متهم ردیف اول (اقای ط) و دفاعیات بلاوجه متهم ردیف دوم در توجیه عمل خویش و سیاه قرارش و ادعای موجود در پرونده منجر به عدم همکاری مسلحانه و هماهنگی متهم ردیف اول با قاضی که عملاً موجب دلگرمی و پیشوایه و قبح مشارالیه می‌گردید. به‌همانی استماعی به‌غیردکان محرز و مستقیم است قائل دادگاه مستنداً به مواد ۴۷، ۵۵۳، ۲۰۵، ۵۹۲، ۵۹۲، ۲۰۷ ق.م. اسلامی با رعایت بند ۲ ماده ۳ قانون نحوه وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین در رابطه با اتهام متهم ردیف دوم محکم به محکومیت متهم ردیف اول به تحمل پنج سال حبس تعزیری بابت معاونت در قتل عمدی و ایضا شش ماه حبس تعزیری بابت پیشهاد رشوه و متهم ردیف دوم به تحمل یک سال حبس تعزیری بابت تهیه و سیاه قرار متهم منواری (ط) و محکمی نمودن مشارالیه به شرح مندرج در پرونده با توجه به محتویات پرونده اعم از شکایت اولیادوم و مرجعین فوق‌الذکر، گزارش مرجع انتظامی کداهی پزشکی قانونی که نامبرانکر صورت مضمومین مذکور در اثر اثبات نتوانه می‌باشند اقرار و اعترافات صریح متهم ردیف اول در مرحله تحقیقات مقدماتی نزد قاضی محترم دادسرا مبنی بر تهیه نشانه قبلی یا اقای (ق) (فیل) به منظور رهایی شهزاد و شهروز که از زندان اوین به دادگاه رودسر اعزام شده‌اند از طریق پیشهاد رشوه به مأمورین همراه زندانبان مذکور با بیوش کردن مأمورین در بین راه از طریق کمیوت مسوموم و با درگیری مسلحانه با مأمورین و در اختتام داشتن اسلحه کلت کسری بدین منظور، کثیر خرامست شماره‌های ۵۵۲، ۵۵۳، ۲۸/۱۳۱۴/۱ صادره از دادسرای عمومی و انقلاب

وینس شعبه ... رودسر

من راین را که ملاحظه می‌کنید با بار خوانده

و چیزی سر در نیوردم شما نیز اگر ده بار آن را بخوانید، مفصلت چیزی بیش از من دستگیران نخواهد شد. بعضی که پس از چند بار خواندن باز هم این پریشانی در ذهنشان نقش خواهد بست:

- ۱- اصل ماجرا و افعای چه بوده است؟ در کدومی خاطر از چهار نفر همبند نام برده‌اند که باید همان اقبان که ن غ و غ باشند، که در متن راین به عنوان مقنول توصیف شده‌اند و به نظر می‌رسد ایشان مأمور بازرفه زندانی یا زندانبان می‌بوده‌ان، چون در راین از آنها به عنوان طرف درگیری مسلحانه یاد شده است.
 - ۲- مأموران یاد شده آیا در همین درگیری مسلحانه کشته شده‌اند، در حادثه دیگری؟ پس دارنده اسلحه چه کسی بوده است و قیافه‌اشی از سوی چه کسی صورت گرفته است و اگر متهمان نامبرده خود اقدام به تیراندازی و قتل کرده‌ان، چگونه معاون نامبرده شده‌ان؟
 - ۳- به دلیل نوع انشای راین باید بپذیریم که متهمان پرونده حاضر اقبان ط و ب بوده‌ان، که سمت معاونت در جرم را داشته‌ان، پس با فاصله باید پرسید قاتل یا شایسته چه کسی است؟
 - ۴- سوای در میان راه نتوان به رودسر و در پاسکاه ایستاد بازرسی چابکسر چه اتفاقی افتاده است به چه کسی رشوه داده شده است چه کسی چه کسانی را به کمیوت بیوش کرده است؟
- * * *
- ایا بهتر نبود که استنادکننده راین خیلی ساده و روان شکست بحرایی را که اتفاق افتاده است بیان می‌کرد تا حاشیه‌زانی منجر به راه درسی یافت و نگاه به نوع جرم و مجرمات می‌پرداخت؟ در فضاهایی که جرم، جرم اتفاق می‌افتد مانند همین مورد که عنوان‌های قتل با حمل اسلحه و رشوه و فراری دادن مجرم و تهیه وسیله و مسوموم کردن در کار است و در قضایی که تعداد متهم و از حجام نامها

همچنین در حدیث این ایهام به دو گونه معاملات اشاره شده است: معاملات در حلال و معاملات در حرام. هر دو مفهوم در فقه امامیه رایج فقط به ماده ۲۰۷ اشاره شده است و اشاره‌ای به داده مثلاً ۲۳ همان قانون نشده است که در واقع عمده فاضلین حرام معاملات نامی می‌شود.

۱۲. در متن رأی به شکایت اولیای دین و دعاویات آنان در مهابان اشاره شده است اما سبب ابطال حق هر دو در دادنامه حائلی است که در صورتی که یک رأی شامل و جامع آن است که به غیر شده رأی نیز امکان تأویل و تفسیر و قضایات و نقد باشد. در یک رأی جامع باید شکایت و دعویان از نظر اجرائی هر یک به طور کامل به صیغت شده اند. مهابان تا به حدی که به حقیقت یعنی از تشابه اسمی بابت ناملاً معرفی شوند از نام و نام خانوادگی گرفته تا نام پدر و شغل و نام مستعار و نشانی و وراثتی باید یادآوری شده که مشرف در برابر عنوان اولیای دین دعاوی به عنوان آورده است. این شاه توضیح داده شود که به این دلیل و به آن علت این دفاع نامی باشد. فاضلین پذیرش می‌باشد.

۱۳. اگر بیاوریم که رأی دادگاه به اصطلاح ویران تمام دعوی حل محتملی بره‌عده است باید چون نگارش بود که اگر تمام ادعای پرونده به دلایلی از پیش برود، دادنامه می‌تواند از مراجعه به اصل پرونده بی‌نیاز سازد. اما این رأی همان‌گونه که رأی به خصوص حق دارد باز هم برسد که در دعاوی پزشکی قانونی چه امضاء است، اعلام نظر کارکنان قضاوت اسلامی است که امری است و مثلاً نظر و گزارش قضایی مسابقات دانشجویی که اعلام و اخبار آنان از جهت شروع به تحقیقات شده که نامه است چه بوده است؟ همچنین ما توجه به اینکه دادنامه‌ها به غیر حیوانات را بر مبنای کسی می‌خوانند و نه می‌فرستند. به عنوان رونق‌دهنده این است که دادنامه دفعه اول این برک می‌برونده می‌شود و توضیح دهد به ادعایان دادستان حائلی و حدیثی چه فطالت و دلایلی است؟ البته در گذشته کار برنده هم اشاره‌ای غیر به نام شکایت و مهابان به نوع ایهام شده است و قاره اگر هم می‌شد کافی به نظر نمی‌رسید چرا که معنی و اطلاعات منتشر در «گذشت کار» قضایی را از الزامات ویژه رأی بی‌نیاز نمی‌کند.

۱۱. قانون این دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، منسب مواد ۱۰۷ تا ۱۱۱ مقرر است در باب اول، ادوات جرم دارد از قبیل شماره قانونی و ضبط و حفاظت و معالجه کردن و اسرار آن را. از دادنامه مورد بحث البته معلوم است که قضایی واقع شده است که به وسیله استناد تاریخی صورت گرفته است یعنی همان کتبی کیفری و همچنین از کیفیت مستقیم نیز یاد شده است اما یا هیچ کدام به دست نیامده است یا اگر به دست آمده است توصیف نشده است و حتی از کلماتها و پیوندهای بادی و تعریفی نشده است. چرا؟

۱۰. در مورد ایهام پیشنهاد شده که در شماره ایهامات اقرب (ط) ذکر شد است که ماده ۵۹۲ و ۵۹۴ قانون مجازات است شده است. در این اسناد البته جای نامی است چرا که در دادنامه هم در مواد ۵۸۸ به بعد قانون مجازات و هم در ضمن ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبان مزاحم دری و انشاء و اختلاس از ولزده‌های رشاء و ارتشاء و نیز رامی و مرتبمی آمده است و به صیغه ثلاثی مجرد و ثلاثت دریا، استنشاده شده است یعنی اکثر از ارتشاء سخن می‌گوید. نظر به عمل گرفتن و شیوه دارد و سایر از رشاء سخن می‌گوید نظر به دادن رشاء دارد پس با این توصیف

می‌تواند هیچ داننده باشد. پیشنهاد می‌شود این ایهام در همه آغاز شده و در نوحه به محتوای پرونده امر در تاریخ ۱۳۷۶ در دادگاه می‌شود. این ایهامات به نادره‌ای که در این نوحه که نظر داریم را به نام‌های مستقیم و مستقیم از زندان این به قصد برودند بارقه می‌کرده‌اند. در این است باز کسی چنانکه در دادنامه مثلاً چه می‌شود و چنان پیش می‌آید چه شبی چه کارهایی می‌کند که البته واقعاً چون از متن رأی در صحت ایهام چه دانسته‌ای و به وسیله چه کسی روی داده است ما را از ادامه ابرام در رأی کیفری معادله داریم. اما می‌خواهم بگویم که توصیف حدیثی می‌بایست چیزی شود یعنی می‌دانست با تا قیود ابرام. با چرا ادامه می‌یافت. لیکن تا این منظرهای معشوقش بر حائلی می‌شود که همچنان جای ستم‌الهایی دیگری باقی است که بر شمار ستم‌الهایی که خانواده گرفته و بر شده.

۵. مهم اصلی و قابل چه کسی است؟ در منظرهای نخستین رأی از آقای به نام (بی) اسم برده شده است که بر اثر جنوری نام او بی را فاضل معرفی می‌کند. اب این فاضل همان نام اصلی است؟ آیا فاضل را در صحنه دیگری مرتبط شده است و در این صحنه حضور نداشته است؟

۶. اگر تمهاتی ضمن درگیری مسلحانه را شخصی انجام داده است چرا در رأی به نفع در جرحاً اشاره نشده است؟ به نظر می‌رسد که در این صحنه حضور نداشته است چرا که مثبتهایی که بارقه می‌شده‌اند کسان دیگری بوده‌اند. به مهم اصلی پرونده؟

۷. اگر قضایی صحنه مربوط به چاکسک را اکتفاً فقط به مرتکب شده‌اند چرا به عنوان معاون محکوم شده‌اند و اگر آنها نقشی در قمار بازی داشته باشند، چه کسانی جمع‌آوری کرده‌اند؟

۸. پرونده اصلی در شرح و تفسیر است چرا اشاره‌ای به آن نشده است و اگر احتمالاً چنین بوده‌ای و خود دارد، پرونده ۵۶ قانون این دادرسی اجرا نشده است که مقرر می‌دارد «شکایت و معاندان جرم در دادگاهی مشاهده می‌شود که صلاحیت رسیدگی به ایهام مجرم اصلی را دارد و مگر مجرم اصلی باشد در دادگاه قضایی استناد محاسبه خواهد شد»

۹. اگر فرض کنیم شخص «بی» فاضل اصلی است و همواره دیگران بوده است و قرار کرده است بر همسر دستگیر شده است آیا نباید در رأی دادگاه به منطوح بودن پرونده در خصوص ایهام روی و یا مثلاً تکلیف بره‌عده و قمار معادله صلاحیت اشاره‌ای می‌شود؟

۱۰. در متن رأی به سر و پا به مسامحه یا به واقع از ده مهم فراری سخن رفته است یکی شخص «بی» و دیگری شخص «ط» که اولی فاضل اصلی بوده و ده می‌معاون قبل اما این دیگری که به اشاره رأی اکنون در زندان به سر می‌برد معلوم نیست ابتدا قرار داده و بعد دستگیر شده است یا مابقی فراری واقعاً همان شخص «بی» می‌باشد و از «ط» به اشتباه نام برده شده است.

۱۱. در مستندات ضمیمه رأی به ماده ۴۰۵ قانون مجازات اسلامی اشاره شده است و چون به متن ماده نگاه می‌کنیم می‌بینیم که در آن از جاهلی میزان دین به تناسب کاهلی شماره ذناباً سخن می‌رود و بعد این سوال پیش می‌آید که آیا ماده ماده را اشتباه آورده‌اند یا واقعاً ایهام شکستکی ذناباً در میان بوده است که در هر حال از معنیات ایهام در رأی نخواهد بود.

اگر بپذیریم که رأی دادگاه به اصطلاح ویران تمام نمای کل محتوای پرونده است باید چنان نگارش یابد که اگر تمام اوراق پرونده به دلایلی از بین برود، دادنامه ما را از مراجعه به اصل پرونده بی‌نیاز سازد از این روی خواننده این رأی به خصوص حق دارد باز هم برسد که در گواهی پزشکی قانونی چه آمده است

